



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

پہلی بار شائع



# حسین وارث انبیا



امام مہدیؑ کی زندگی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# حسین (ع) وارث انبیا

نویسنده:

موسی صدر

ناشر چاپی:

نشر شهر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	حسین (ع) وارث انبیا
۶	مشخصات کتاب
۶	حسین، وارث انبیا
۶	پیشگفتار ..... ص : ۱
۷	حسین، وارث انبیا ..... ص : ۴
۷	دشمنان حسین ..... ص : ۵
۱۳	از تولد و حضور ..... ص : ۲۱
۱۴	از ربودن و غیاب ..... ص : ۲۴
۱۷	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## حسین (ع) وارث انبیا

### مشخصات کتاب

- سرشناسه: صدر، موسی، ۱۳۰۷ -  
 عنوان و نام پدیدآور: حسین (ع) وارث انبیا/ امام موسی صدر؛ ترجمه مهدی فرخیان.  
 مشخصات نشر: تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، موسسه نشر شهر: امام موسی صدر، ۱۳۸۷.  
 مشخصات ظاهری: ۳۲ ص.؛ ۱۰ × ۵/۱۷ س.م.  
 فروست: پرتوها؛ ۶.  
 شابک: ۴۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۲۱-۰۸-۴؛ ۱۵۰۰۰ ریال (چاپ سوم)  
 وضعیت فهرست نویسی: فاپا  
 یادداشت: کتاب حاضر برگزیده پیام‌ها و سخنرانی‌های امام موسی صدر در مورد امام حسین و عاشورا است.  
 یادداشت: چاپ سوم: ۱۳۹۱.  
 موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق - دشمنان  
 موضوع: صدر، موسی، ۱۳۰۷ - - سرگذشتنامه  
 موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ ق.  
 موضوع: عاشورا  
 شناسه افزوده: فرخیان، مهدی، ۱۳۵۸ -، مترجم  
 شناسه افزوده: موسسه نشر شهر  
 رده بندی کنگره: BP۴۱/۵/ص۴۶ ح۵ ۱۳۸۷  
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۳۴  
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۴۵۲۶

## حسین، وارث انبیا

### پیشگفتار ..... ص: ۱

حماسه شورگستر عاشورا، از یک سو عرصه عشق‌بازی و فداکاری و «

ما رأیت إلا جمیلا

است، و از دیگر سو خونریزی و غارت و ستم پیشگی. اما متأسفانه این حادثه

حسین وارث انبیاء، ص: ۲

نیز مانند بسیاری از پدیده‌های تاریخی دیگر، گاه دستخوش تحریف و گاه دستخوش غفلت شده است. از این رو، امروز، بیش از هر زمان دیگری نیاز داریم که غبار تحریف را از چهره تابناک این رخداد بزداایم، تا پیام امام حسین را بشنویم و دریابیم و به کار گیریم.

در این میان، اندیشمندان جامعه، مسئولیت سنگینی بر دوش دارند و در دوران معاصر بوده‌اند کسانی که در این راه تلاش‌ها کردند

و روشنایی‌ها بر این واقعه افکندند.

امام موسی صدر نیز، از جمله این اندیشمندان است، که کوشیده است با زبان و رفتار خود، چهره حقیقی قهرمانان عاشورا را بنمایاند و پیامش را به جان‌ها برساند. او در سخنرانی‌های مختلف تلاش کرده است تا غبار تحریف را از چهره این واقعه بزدايد، و با درک پیام عاشورا آن را به زبان امروزین جامعه بازگو کند. او در دو دهه تلاش خود در لبنان همواره از درس‌های این حادثه الهام گرفته است، حتی از این واقعه برای همزیستی میان پیروان مسیحیت و اسلام نیز بهره برده است. از این رو این گفتار را که در آن دشمنان امام حسین و خصایص آنان را بر شمرده است، برگزیده‌ایم، تا درس‌های عاشورا را از زبان امام موسی صدر بشنویم.

حسین وارث انبیاء، ص: ۴

مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر

### حسین، وارث انبیا ..... ص: ۴

السلام علیک یا أبا عبدالله، و علی الارواح التي حلت بفنائک، علیکم منی جمیعاً سلام الله أبداً ما بقیت و بقی اللیل و النهار، و لاجعله الله آخر العهد منی لزیارتکم، السلام علی الحسنین و علی بن الحسنین و علی اولاد الحسنین و علی أصحاب الحسنین.  
در زیارتی که به مناسبت امروز نقل شده است، و در پایان جلسه نیز برای تجدید بیعت آن را خواهیم خواند، آمده است:

السلام علیک یا وارث آدم صفوه الله؛

السلام علیک یا وارث نوح نبی الله؛

السلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل الله؛

السلام علیک یا وارث موسی کلیم الله؛

السلام علیک یا وارث عیسی روح الله؛

السلام علیک یا وارث محمد حبیب الله؛

هدف این زیارت، بخشیدن حرکت و پویایی به عاشورا و خارج کردن این واقعه از انزوا و مخالفت با جداسازی آن از گذشته و آینده است، زیرا که همه خطر در این است که عاشورا فقط به یادبودهایی بدل شود، و واقعه کربلا تنها برای کتاب‌ها و سیره‌نویسی، و یا ذکر آن برای اجر و ثواب

حسین وارث انبیاء، ص: ۵

اخروی باشد. بیم آن می‌رود که این حادثه از ظرف زمانی خود فراتر نرود، و مقتل حسین و یارانش در همان سال ۶۱ مدفون شود؛ حسینی بود، کشته شد و همه چیز پایان یافت.

برای اینکه این خواست و کینه و کنار نهادن واقعه محقق نشود، و کار امام حسین هدر نرود، پاره‌ای فقرات در این زیارت آمده است، تا میان شهادت حسین و ستیز همیشگی حق و باطل پیوند برقرار سازد. ستیزی که از نخستین حرکت انسان برای اصلاح و جهاد آغاز می‌شود و تا رسیدن به زندگی آزاد، با کرامت و رهایی از ستم و ستم‌پیشگان ادامه دارد.

### دشمنان حسین ..... ص: ۵

یکی از دوستان اندیشمند ما می‌گوید که دشمنان حسین سه گروه‌اند:

دشمن نخست: کسانی که حسین و یارانش را کشتند. آنان ستمکار بودند، اما اثر ستمشان ناچیز است، زیرا که جسم را کشتند و اجساد را پاره پاره کردند و چادرها را به آتش کشیدند و اموال را به غارت بردند. آنان چیزهای محدودی را از میان بردند. اگر

حسین در سال ۶۱ هجری به شهادت نمی‌رسید، در سال دیگری از دنیا می‌رفت. پس

حسین وارث انبیا، ص: ۶

خطر اصلی چیست؟ آنان با کشتن حسین چه چیزی را محقق ساختند؟ باید گفت که آنان مرگ حسین را جاودانه و همیشگی کردند. بنابراین، خطر دشمن اول، ظالم اول و طغیانگر اول، محدود است.

دشمن دوم: کسانی که کوشیدند تا آثار حسین را پاک سازند. بنابراین، نشانه‌های قبرش را از میان بردند و بقعه‌ای را که در آن به خاک سپرده شده بود، به آتش کشیدند و یا مانند بنی عباس، حرم امام حسین را به آب بستند.

اینان مانع عزاداری برای حسین شدند، چنان‌که در عصر عثمانی این‌گونه بود. دوران تاریکی بود؛ هنگامی که مجلسی بر پا می‌داشتند، مراقبینی می‌گماردند، تا رسیدن عمّال عثمانی را خبر دهند و عزاداران پراکنده شوند. هم‌اینان زیارت حسین را منع کردند و برای کسانی که می‌خواستند قبر امام حسین را زیارت کنند، موانع بسیاری به وجود می‌آوردند. اینها گروه دوم از دشمنان حسین هستند، کسانی که می‌خواستند اسم حسین و یاد حسین فراموش شود، و آرامگاه حسین و عزاداری بر حسین از میان رود.

خطر این گروه بیش از گروه اول است، اما در اجرای برنامه‌هایشان، ناتوان ماندند، چنان‌که این مسئله در تاریخ روشن شد. ما، امروز شاهد گسترش زمانی و مکانی

حسین وارث انبیا، ص: ۷

عزاداری‌های امام حسین هستیم. امروز، دست کم بیش از صد میلیون نفر در عزاداری‌های امام حسین شرکت می‌کنند؛ نه تنها در جهان اسلام، بلکه همچنین در آفریقا. جمعه گذشته در ایام عاشورا، همه خطبه‌ها به اسم امام حسین برگزار شد؛ در همه جا، در اروپا، در آمریکا و در هر کشوری که دوستداران حسین زندگی می‌کنند. امروز صد میلیون نفر و یا بیشتر مجالس حسینی را برپا می‌کنند. سفر من به گابن با اربعین حسینی مصادف بود و در آنجا سخنرانی مفصلی کردم. در سنگال هم که بودم مجالس مفصلی برپا کردیم. به همین ترتیب، در همه کشورها مراسم عزاداری امام حسین در حال گسترش است. این مراسم، اینجا، در لبنان، در بیروت و در مکان‌های گوناگون، فزونی می‌یابد و پربرتر می‌شود. بنابراین، گروه دوم از دشمنان امام حسین، پرخطرتر و ستمکارتر از گروه نخست‌اند، اما در کارشان ناکام ماندند. خطر اینها از گروه سوم کمتر است.

دشمن سوم: این گروه بر آن بودند تا چهره امام حسین را مخدوش کنند، و واقعه کربلا را در حد سالگردها و عزاداری‌ها نگه دارند، و آن را در گریه و اندوه و ناله منحصر کنند. ما بر حسین بسیار می‌گرییم، اما

حسین وارث انبیا، ص: ۸

هرگز در گریه متوقف نمی‌شویم. گریه ما برای نو کردن اندوه‌ها و کینه‌ها و میل به انتقام و خشم بر باطل است. این‌ها انگیزه ما برای گریه است.

چرا از به خاک افکنده شدن امام حسین یاد می‌کنیم و آن را در مقاتل می‌خوانیم؟ ناله‌ها و شیون‌های دلخراش! ماجرا را صحنه به صحنه می‌خوانیم تا واقعیت را پیش رو آوریم، و خطر ستم‌پیشگان و سنگدلی‌شان را دریابیم، و همچنین ابعاد فداکاری و تأثیر آن را بفهمیم. پس، ما تنها به شیون بسنده نمی‌کنیم، و حسین را تنها شهید اشک‌ها نمی‌دانیم، و بر آنیم که تکلیف ما فقط با عزاداری به انجام نمی‌رسد. اگر در تاریخ نبرد میان حق و باطل، واقعه کربلا را از مقطع زمانی خودش خارج سازیم و آن را با گذشته پیوند دهیم، به طور طبیعی حادثه با آینده هم پیوند می‌خورد. چنان‌که می‌گوییم حسین وارث آدم و نوح و موسی و عیسی است، و امام صادق و باقر و رضاع میراث‌دار او هستند، و هر کسی که با باطل می‌ستیزد و همه توان و حیات خود را در راه دفاع از حق تقدیم می‌کند، میراث‌دار اوست.

حسین وارث انبیا، ص: ۹



حق و باطل از ازل با هم در ستیز بودند. این مسئله سنت خداوند در خلق است. آدمی خیر و شر را می‌شناسد، چنان که در قرآن آمده است:

«فألهمها فجورها و تقواها» (شمس / ۸)

(سپس بدی‌ها و پرهیزگاری را به او الهام کرد.)

خداوند است که به من آموخت و الهام کرد و روح در من دمید و مرا آفرید. من هم خیر و شر را درمی‌یابم، و هم بر خیر توانا هستم و هم بر شر:

«إنا هدیناه السبیل إما شاکراً و إما کفوراً» (انسان / ۳)

(راه را به او نشان دادیم، یا سپاسگزار باشد یا ناسپاس.)

این سنت خداوند است که در هستی هم امکان انجام دادن خیر هست و هم شر. ما راه خیر را، چشم‌بسته و بدون آگاهی از شر، طی نمی‌کنیم. آدمی، در هر موقعیتی که قرار می‌گیرد، خودش را در برابر دو گزینه مختار می‌بیند؛ چیزی هست که او را به خیر می‌خواند، و چیزی دیگر که او را به شر دعوت می‌کند. او در هر موقعیتی خود را در نبردی آزاد می‌بیند، که می‌تواند خیر را برگزیند، و یا در چاه شر سقوط کند. اگر خیر را برگزیند، کامل می‌شود، زیرا این گزینش پس از نبردی جانکاه و درونی بوده است.

حسین وارث انبیا، ص: ۱۰

انسان، همچون زنبور عسل نیست. زنبور تنها می‌تواند عسل بسازد. آدمی مثل گوسفند، مثل حیوانات نجیب یا مثل خورشید نیست. اینها فقط توانایی کار خیر دارند. اما آدمی هم توانایی انجام دادن خیر را دارد و هم شر. بنابراین، سنت آفرینش خداوند، وجود احساس خیر و شر در نفس انسان، و وجود خیر و شر در عالم خارج است. پس، آدمی در هر موضعی در برابر دو گزینه قرار دارد. وجود خیر و شر دو جبهه ابدی و ازلی پدید می‌آورد. جد ما، حضرت آدم، برگزیده خدا، جبهه اصلی را رهبری کرد و نبرد میان قایل و هایل صورت پذیرفت. می‌توان گفت که این ستیز، نبردی نمادین یا حقیقتی تاریخی است، فرقی نمی‌کند. آنچه مهم است، بازتاب این نبرد برای ماست. قرآن نیز نبرد هایل و قایل را بیان می‌کند. در این نبرد، جبهه کوچک خیر، در برابر جبهه کوچک شر قرار می‌گیرد. گستره این نبرد محدود است. میان دو برادر، که از یک پدر و یک مادر هستند، نبرد روی می‌دهد. قایل، هایل را می‌کشد. هایل، در زیر خاک دفن می‌شود. نبرد از همان لحظه اول رنگ خون به خود گرفت. این نبرد سخت که آغاز شد، از همان زمان تا به امروز و تا ابد، تجربه ای در اختیار انسان قرار داد.

حسین وارث انبیا، ص: ۱۱

از آن زمان به بعد نبردها ادامه یافتند. پژوهشگران، منتقدان، فلاسفه، اقتصاددانان و پایه‌گذاران مکتب‌های اقتصادی قدیم و جدید، این نبردها را تفسیر کرده‌اند، درباره آنها نظر داده‌اند و اثرهای آنها را برشمرده‌اند. آنان در اظهار نظر خود بر حق هستند، زیرا هر کدام به نوعی این نبردها را تعریف کرده‌اند. آنان در زمانی زندگی می‌کردند که ویژگی بارز نبرد، اختلاف طبقاتی بود. من شک ندارم که اگر آنان در دوره ما زندگی می‌کردند، به این نبردها ویژگی دیگری می‌دادند. چرا که این نبردها، امروز، از چارچوب طبقاتی خارج شده‌اند. این نبردها گاهی میان طبقات است و گاهی درون طبقات مختلف اجتماعی و گاهی میان ملت‌ها و یا غیر اینهاست. نمی‌خواهم در این مورد بحث کنم. آنان آخرین نبردها را مشخص کردند و آنها را تعمیم دادند و گفتند که همه تاریخ، از ابتدا تا انتها، نتیجه مبارزه و نبرد است.

اما واقعیت این است که نبرد حقیقی میان ستم‌پیشه و ستم‌دیده است، زیرا که ستم شکل‌های گوناگونی دارد. گاهی ظلم حالت شخصی دارد؛ کسی دیگری را می‌زند، شوهری همسرش را می‌زند، برادری برادرش را می‌زند و یا شخصی به همسایه‌اش آزار

می‌رساند. این نبردها شخصی است.

حسین وارث انبیا، ص: ۱۲

گاهی ستم ویژگی دیگری می‌یابد. استعمار، ستمی سیاسی است و استعمارگران به مردم ستم می‌کنند؛ آزادی و سرزمین و وطنشان را غصب می‌کنند. این چیزها را گاهی به کمک سیاست غصب می‌کنند، و گاهی به زور شمشیر. این نوع ستم، نبرد میان ظالم و مظلوم را تصویر می‌کند، و نیز استعمارگران را نشان می‌دهد.

گاهی نبرد ویژگی اقتصادی می‌یابد؛ استثمار کننده و استثمار شونده. گروهی با فریب و زور و ربا، اموال دیگران را می‌دزدند. ربا، در قدیم رواج داشت؛ چه پیش از اسلام، چه پس از اسلام، حتی امروز هم وجود دارد. گروهی با سوء استفاده از مال و امکاناتی که دارند، اموال و حاصل تلاش دیگران را تصاحب می‌کنند. این نوع دیگری از ستم است؛ نبرد میان استثمار کننده و استثمار شونده. گاهی نبرد با ویژگی فرهنگی و فکری نمودار می‌شود. یکی از متفکران، این ستم را استعمار می‌نامد. استعمار یعنی اینکه مردم را نادان نگه دارند. مردم چیزی نفهمند و نادان بمانند. در اینجا نیز ستمکار عقل و اندیشه و آگاهی و احساس ستم‌دیده را نادیده می‌گیرد. در اینجا نیز نبرد پا برجاست.

قرآن کریم، همه انواع ستم را معرفی می‌کند، و ستم‌دیدگان را یک جا نشان می‌دهد:

حسین وارث انبیا، ص: ۱۳

«و نريد أن نمن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم أئمة و نجعلهم الوارثين» (قصص / ۵)

(و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین نعمت دهیم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم).

استضعاف، یعنی گروهی، گروهی دیگر را ضعیف بشمارد، و دارایی و اندیشه آنان را غصب کند. نگاه تاریخی قرآن کریم می‌گوید که در زمین مردم دو گروه‌اند؛ یا ظالم یا مستضعف. این دو گروه در برابر هم قرار می‌گیرند، ستم فزونی می‌یابد، ظالم طغیان می‌کند، چیره می‌شود و سرانجام حکم می‌راند.

مستضعفین جستجو می‌کنند، همدل می‌شوند، التماس می‌کنند، توسل می‌جویند، ناله و فریاد سر می‌دهند، و سرانجام خداوند برای آنان رهبر یا وحی و یا پیامبری می‌فرستد، تا آنان را گرد هم آورد و رهبری کند. آنان نیز از مصالح خود در برابر ستمکار دفاع می‌کنند. همه پیامبران؛ کسانی که فریادشان خدای واحد و احد بود، همیشه در میان عده زیادی مستضعف بودند. آنان در کنار مستضعفین می‌ایستادند، نه به علت کینه‌توزی نسبت به قدرتمندان، چرا که عقده‌ای در کار نیست، بلکه به سبب بیزاری از ظلم. آنان می‌خواهند زورمداران و ستمگران را

حسین وارث انبیا، ص: ۱۴

از عرششان فرو کشند. پیامبر، هیچ کینه و عقده‌ای نسبت به هیچ کس ندارد. او از این کینه‌توزی‌ها میراست.

نبرد بالا می‌گیرد. مستضعفین به پا می‌خیزند، بر گرد پیامبر خود فراهم می‌آیند و نبرد را آغاز می‌کنند، فداکاری می‌کنند و مبارزه را پی می‌گیرند تا ستمکار از عرشش سقوط کند و از طغیان‌ش دست بشوید. مستضعفین، در برابر استعمار و استثمار و استعمار ستمکار می‌ایستند.

انواع سه‌گانه ستم، سردمدارانی دارد. اینان قبلاً بوده‌اند و اکنون نیز هستند. اما سرانجام ستم در برابر اکثریت شکست می‌خورد و ستمکار نیز در هم می‌شکند. سپس ستمکار جامه نو بر تن می‌کند؛ جامه انبیا و لباس دین. به دعوت جدیدی فرا می‌خواند و شعار دفاع از مصلحت مردم را سر می‌دهد. اعلام می‌کند که در کنار مستضعفین است. مستضعفین می‌بینند ستم از درون خودشان پا گرفته است؛ غصب و استبداد و استعمار و استثمار و استعمار از دورن خودشان است. در این هنگام نبردی دیگر آغاز می‌شود. بدین گونه این نبرد از ازل تا ابد پاینده است.

این نبرد برای چیست؟ این سنت خداوند است. این نبرد همیشگی برای این است که آدمی بتواند با اراده کامل خود، از میان خیر و شر، یکی را انتخاب کند و این گونه است که حسین وارث انبیاء، ص: ۱۵

سلسله پاینده ستیز میان ستمکار و ستمدیده کامل می‌گردد. در این روند بود که نبرد آغاز شد: از آدم، برگزیده خدا و نوح، پیامبر خدا و عیسی، روح خدا و موسی، همسخن خدا و تا محمد، محبوب خدا و علی، ولی خدا. از این رو، واقعه کربلا نبردی منفک و پدیده‌ای یگانه در تاریخ انسان نیست، البته حلقه‌ای ویژه است و به طور طبیعی با دیگر حلقه‌های تاریخ نبرد، تفاوت دارد و همچنان که این حلقه با گذشته پیوند دارد، با آینده نیز در پیوند است.

ما با این یادکردها و عزاداری‌ها و برپایی مجالس سوگ، می‌کوشیم تا این واقعه را همچون رویدادی تازه تجربه کنیم. پدران و نیاکان و رهبران و علمای ما نیز چنین کرده‌اند. به سخنان امام حسین گوش فرا می‌دهیم:

«ألا ترون أن الحق لا يعمل به و الباطل لا يتناهي عنه» (۱)

(آیا نمی‌بینید به حق عمل و از باطل دوری نمی‌شود.)

این سخن در گوش عزاداران طنین می‌افکند، و انسان را وا می‌دارد تا هوشیار باشد که امروز چه باید بکند؟ تا وقتی که نبرد ادامه دارد و دو جبهه از هم متمایز است، و تا

(۱) ۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۴، ص ۱۹۲

حسین وارث انبیاء، ص: ۱۶

هنگامی که دو جبهه رهبران و پیروان خود را دارد، ما باید بینیم آیا در جای خود ایستاده ایم؟ در کدام جبهه هستیم؟ سخنان و شعارها روشن‌اند. وقتی که انسان معاصر درمی‌یابد که نبرد امام حسین با گذشته و آینده پیوند دارد، درنگ می‌کند، و در برابر دو جبهه می‌ایستد تا صف خود را انتخاب کند. اگر بخواهیم هر دو جبهه را بشناسیم، باید بدانیم هر کدام ویژگی‌های خودش را دارد. زیاد دقت نمی‌خواهد. ویژگی‌ها روشن است. آیا کسی هست که شک کند اسرائیل ظالم است؟ اسرائیل فلسطین را اشغال و مردم را آواره و بی‌گناهان را نابود کرده است. به بهانه حمایت از خود، اشغال را ادامه می‌دهد و فکر جهانی را با استثمار و استثمار به بیراهه برده است.

بنابراین، ما مستضعف هستیم. اسرائیل در جبهه یزید است؛ جبهه باطل، جبهه ستم‌پیشگان، و ما در جبهه مستضعفین هستیم؛ جبهه حسین. ما چه باید بکنیم؟ سیره حسین را می‌خوانیم و می‌بینیم که حسین با خاندان و یاران و فرزندان و با همه هستی و مردان و زنان خود به آوردگاه می‌رود. کسانی هم که با حسین از مدینه خارج نشدند، با اجباری از جانب حسین مواجه نشده بودند، چرا که امام حسین برای آنان چنین نوشت:

حسین وارث انبیاء، ص: ۱۷

«ألا وأن من خرج معي، يقتل و من لم يخرج، لن يبلغ النصر»

(بدانید آن که با من از مدینه خارج شود، کشته خواهد شد و آن کس که بماند به پیروزی نخواهد رسید.)

او می‌خواهد همه دوستداران و عزیزان خود را به همراه ببرد، اما به کجا؟ به محراب شهادت. او می‌داند که همگی به سوی شهادت گام بر می‌دارند و همین طور هم بود. سخنان امام حسین و علی‌اکبر را وقتی که علی‌اکبر به خیمه‌ها بازگشت و آب خواست، می‌خواندم. مضمون سخن امام حسین این بود که آبی در کار نیست، اما به علی‌اکبر می‌گوید: «امیدوارم که از دست جدت سیراب شوی.» آیا علی‌اکبر در این دنیا سیراب می‌شود؟ جدش کجا به او آب می‌دهد؟ حسین شهادت و مرگ را برای فرزندش آرزو

می‌کند. می‌گوید: بفرما، بجنگ و بمیر. این معنای سیراب شدن از دست جدت است. دیگران از او اجازه می‌خواهند و او به آنان اجازه می‌دهد، و همین گونه یکی پس از دیگری، همه آنان را تقدیم کرد. در مقتل ماجرا را شنیده‌اید. جزئیات این کارزار به حقیقت بسیار نزدیک است. مردمی بودند که گمراه شدند و طمع ورزیدند. به آنان اندکی پول دادند یا اینکه یک مشت خرمای خشک گرفتند و برای قتل حسین

حسین وارث انبیاء، ص: ۱۸

آمدند. روایات و سیره‌ها متفاوت است، برخی گفته‌اند که سی هزار نفر یا بیشتر امام حسین را محاصره کرده بودند ... آنان می‌دیدند که پس از کشتن امام حسین ع به درون خیمه‌ها می‌روند و لباس‌ها و زیور آلات و گوشواره‌ها را بی‌رحمانه به غارت می‌برند. آری، روشن شد که چه کردند. در مقتل خوانده‌اید که با شمشیرها و نیزه‌ها و هر وسیله‌ای که در دسترسشان بود، حمله کردند. ما روایت این رخدادها را در ایام عاشورا می‌خوانیم. هدف چیست؟ می‌خواهیم عاشورا را در جایگاه درست تاریخی خود قرار دهیم، زیرا که این واقعه در سلسله حلقه‌های متصل به هم جای دارد. نبرد حق و باطل با حسین به اوج خود می‌رسد، اما این نبرد همچنان ادامه دارد. پیش از امام حسین بود و پس از او هم خواهد بود. چرا حلقه امام حسین متفاوت و ویژه است؟ زیرا فداکاری امام حسین، فداکاری بزرگی بود. او همه چیز را برای خدا تقدیم کرد:

«إن کان دین محمد لم یستقم إلا بقتلی، فیا سیوف خذینی.»

(اگر دین محمد پا بر جا نمی‌ماند مگر با مرگ من، پس ای شمشیرها مرا در یابید.)

حسین وارث انبیاء، ص: ۱۹

او همه چیز را تقدیم کرد. اگر این واقعه را به سلسله تاریخی و سرمدی نبرد میان حق و باطل پیوند دهیم، خود را در این جبهه نبرد قرار داده‌ایم.

امروز این نبرد میان فلسطینی‌ها و اسرائیل است. این مسئله، نخست، تکلیف فلسطینی‌هاست و اگر آنان این کار را انجام ندهند، بر ما واجب عینی است که به پا خیزیم و این کار را به انجام رسانیم. درست است، اسرائیل نیرومند است، اما یزید نیز قدرت داشت. اسرائیل می‌کشد، می‌سوزاند و قتل عام می‌کند. آنچه را انجام می‌دهد، بر صفحه‌های تلویزیون می‌بینم. به یاد می‌آوریم که مسلم‌بن عقیل نیز در کاخ به قتل رسید، سرش را از تن جدا کردند، و جسدش را از بلندی افکندند. پس اسرائیل در صف یزید است. همه ابعاد واقعه کربلا هم اکنون نیز وجود دارد. حسین بازنگشت و نگفت که آنان ظالم‌اند و به مرد و زن و مرده رحم نمی‌کنند. نگفت که آنان پس از کشتنم، سینه‌ام را پاره پاره می‌کنند. پس، بر ماست که در راه حق گام برداریم. چه سودی دارد که خوار بمانیم؟ او که پیشواست باید این همه را تحمل کند.

بنابراین، نبرد ما با اسرائیل، ادامه نبرد امام حسین است. آنان درباره حسین می‌گفتند:

حسین وارث انبیاء، ص: ۲۰

«خرج عن حده فقتل بسیف جده»

(او از حد و حدود خود تجاوز کرد و با شمشیر جدش کشته شد.)

این حکمی بود که در محکمه برای امام حسین صادر کردند. می‌گفتند: چرا عصیان می‌کنی؟ چرا نمی‌گذاری مردم شادمان باشند؟ چرا نمی‌گذاری مردم نماز بگزارند و روزه بگیرند؟ حج بر جای آورند و زکات بپردازند؟ ای حسین! چرا این کار را می‌کنی؟ از این همه نبرد و درگیری چه می‌جویی؟

من آمده‌ام تا به شما هشدار دهم که اسرائیل هم همان حرف را می‌زند: بیاید با هم زندگی کنیم، بیاید با هم زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشیم! آیا این حرف‌ها از دولتی که بر اساس اشغال‌گری و تعدی و طمع و زیاده‌خواهی برپاست، پذیرفتنی است؟ اسرائیل

می‌گوید: ما بالاتر از دیگر انسان‌ها هستیم. همه آدمیان باید تحت سلطه ما باشند. پس، این نبرد امام حسین در عصر ماست. ما چیزی را از سلسله نبرد حق و باطل جدا نمی‌کنیم؛ چنان که به حسین در نبردش با یزید می‌گوییم: «السلام علیک یا وارث آدم صفوه الله.

« حسین وارث انبیاء، ص: ۲۱

### از تولد و حضور ..... ص: ۲۱

۱۴ خرداد ۱۳۰۷

ولادت در شهر قم.

مهر ۱۳۱۳ تا خرداد ۱۳۲۲

اتمام سیکل اول دبیرستان مقدمات دروس حوزوی.

خرداد ۱۳۲۲ تا اسفند ۱۳۲۵

پایان دروس سطح حوزه، اخذ دیپلم ادبی به صورت متفرقه.

فروردین ۱۳۲۶ تا بهار ۱۳۳۳

حضور در دروس فلسفه و خارج فقه و اصول حوزه قم.

مهر ۱۳۲۹ تا خرداد ۱۳۳۲

اخذ لیسانس «حقوق در اقتصاد» از دانشگاه تهران.

بهار ۱۳۳۳ تا اردیبهشت ۱۳۳۴

حسین وارث انبیاء، ص: ۲۲

حضور در دروس فلسفه و خارج فقه و اصول حوزه نجف.

اردیبهشت ۱۳۳۴ تا مهر ۱۳۳۵

حضور مجدد در دروس فلسفه و خارج فقه و اصول حوزه قم.

مهر ۱۳۳۵ تا مرداد ۱۳۳۷

حضور مجدد در دروس فلسفه و خارج فقه و اصول حوزه نجف.

مرداد ۱۳۳۷ تا آبان ۱۳۳۸

ادامه فعالیت حوزوی در قم؛ تصدی مدیریت مجله مکتب اسلام و دبیرستان ملی صدر؛ تهیه طرحی برای اصلاح امور حوزه به اتفاق دوستان همفکر.

آبان ۱۳۳۸

هجرت به لبنان برای جانشینی علامه شرف‌الدین

آبان ۱۳۳۸ تا مرداد ۱۳۴۵

فعالیت گسترده تشکیلاتی برای ساماندهی امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شیعیان لبنان؛ پرچمداری حرکت گفتگوی ادیان.

مرداد ۱۳۴۵

تظاهرات صدها هزار تن از شیعیان لبنان در بیعت با امام صدر.

مرداد ۱۳۴۵ تا خرداد ۱۳۴۸

حسین وارث انبیا، ص: ۲۳

تلاش برای تأسیس مجلس اعلای شیعیان، آغاز حمایت‌های گسترده از سازمان مقاومت فلسطین.

۱ خرداد ۱۳۴۸

تأسیس مجلس اعلای شیعیان.

خرداد ۱۳۴۸ تا بهمن ۱۳۵۲

درخواست از دولت برای رفع محرومیت، انجام اصلاحات اجتماعی، مقابله با تجاوزات اسرائیل و حمایت از سازمان مقاومت فلسطین.

بهمن ۱۳۵۲ تا فروردین ۱۳۵۴

رهبری مبارزات گسترده مردمی علیه دولت سلیمان فرنجه در قالب حرکت محرومین، آغاز دوره‌های پنهانی آموزش نظامی جوانان شیعه برای مقابله با تجاوزات اسرائیل به جنوب لبنان.

فروردین ۱۳۵۴

آغاز جنگ داخلی دو ساله لبنان.

فروردین ۱۳۵۴ تا مهر ۱۳۵۵

پرچمداری تلاش‌های ملی و عربی برای پایان دادن به جنگ داخلی و جلوگیری از تقسیم لبنان؛ تأسیس جناح نظامی حرکت محرومین، موسوم به «افواج المقاومة اللبنانية» (امل)، برای مقابله با تجاوزات اسرائیل به جنوب لبنان.

مهر ۱۳۵۵

برپایی کنفرانس سران عرب در ریاض؛ پایان جنگ داخلی لبنان.

مهر ۱۳۵۵ تا شهریور ۱۳۵۷

اوجگیری بحران جنوب لبنان؛ آغاز درگیری‌های مقاومت لبنانی (امل) با اسرائیل؛ پرچمداری مخالفت با طرح سازشکارانه توطین.

۹ شهریور ۱۳۵۷

ناپدید شدن طی سفری رسمی به لیبی.

حسین وارث انبیا، ص: ۲۴

## از ربودن و غیاب ..... ص: ۲۴

۳ شهریور ۱۳۵۷

سفر به لیبی به پیشنهاد بومدین رئیس جمهور الجزایر و دعوت رسمی کشور لیبی.

۹ شهریور ۱۳۵۷

برای آخرین بار امام موسی صدر در لیبی در حال خروج از هتل دیده شد.

۱۱ شهریور ۱۳۵۷

آغاز تلاش‌ها برای آگاهی از محل امام موسی صدر.

۱۵ شهریور ۱۳۵۷

تماس مجلس اعلای شیعیان با سفارت لیبی و پاسخ این سفارت مبنی بر اینکه «امام مهمان لیبی است و دلیلی برای نگرانی وجود ندارد.»

حسین وارث انبیاء، ص: ۲۵

۱۷ شهریور ۱۳۵۷

تماس مجلس اعلای شیعیان با هتل الشاطیء طرابلس، محل استقرار امام، و درخواست توضیح.

۱۹ شهریور ۱۳۵۷

مجلس اعلای شیعیان موضوع ربودن امام را با نخست‌وزیر لبنان در میان می‌گذارد، و نخست‌وزیر همان روز کاردار لیبی را احضار می‌کند.

۲۰ شهریور ۱۳۵۷

ادعای کاردار لیبی مبنی بر اینکه امام و دو همراهش عصر روز ۹ شهریور ۱۳۵۷ لیبی را به قصد ایتالیا ترک کرده‌اند.

۲۱ شهریور ۱۳۵۷

تلگراف امام خمینی به یاسر عرفات برای روشن شدن وضعیت امام صدر.

۲۲ شهریور ۱۳۵۷

اعزام هیئت تحقق امنیتی - سیاسی لبنان به لیبی و ایتالیا. لیبی به این هیئت اجازه ورود به خاک لیبی را نداد.

۲۲ شهریور ۱۳۵۷

آغاز تحقیقات دستگاه قضایی ایتالیا.

۲۶ شهریور ۱۳۵۷

حسین وارث انبیاء، ص: ۲۶

بیانیه رسمی لیبی مبنی بر سفر امام صدر به ایتالیا و تناقضات فراوان این بیانیه.

۳۰ شهریور ۱۳۵۷

اجتماع عظیم لبنانی‌ها در سوریه، محل برگزاری کنفرانس ۵ کشور عربی، برای وادار کردن قذافی به آزادساختن امام موسی صدر.

۱ مهر ۱۳۵۷

تلگراف امام خمینی به حافظ اسد برای پیگیری قضیه امام صدر.

۱۰ آبان ۱۳۵۷

اعلام نتیجه تحقیقات هیئت لبنانی مبنی بر اینکه امام و دو همراهش خاک لیبی را ترک نکرده‌اند.

۱۷ اسفند ۱۳۵۷

رد درخواست هیئت لیبیایی از سوی امام خمینی برای آمدن قذافی به تهران.

۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۸

اعلام رسمی تحقیقات دستگاه قضایی ایتالیا مبنی بر اینکه حتی یک دلیل هم وجود ندارد که ثابت کند امام لیبی را ترک کرده است.

۸ بهمن ۱۳۵۸

درخواست لیبی برای تحقیقات دوباره دستگاه قضایی ایتالیا.

۸ بهمن ۱۳۵۹

انتشار تحقیقات دادگاه تجدیدنظر ایتالیا مبنی بر عدم ورود امام به ایتالیا و اعلام اینکه تحقیقات امنیتی لیبی متقلبانه بوده است.

۱۵ بهمن ۱۳۵۹

لبنان ربودن امام و دو همراهش را تجاوز به امنیت ملی لبنان دانست.

۲۷ آبان ۱۳۶۵

قاضی لبنانی پرونده اعلام کرد که ربودن امام صدر و دو همراهش در داخل خاک لیبی صورت پذیرفته است.

۱۳۷۸ خرداد

تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر پیگیری قضیه ربودن امام

حسین وارث انبیا، ص: ۲۷

موسی صدر و اهتمام مسئولین و فعالان حقوق بشر به این مسئله.

۱ خرداد ۱۳۸۰

تقدیم شکایات فرزند امام صدر و همسران شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین به شورای عالی قضایی لبنان.

۱۰ شهریور ۱۳۸۱

اعتراف ضمنی قذافی به ربوده شدن امام صدر در خاک لیبی.

۱۲ مرداد ۱۳۸۳

احضار ۱۷ تن از سران لیبی از جمله معمر قذافی به دادگاه لبنان.

۱۰ آبان ۱۳۸۳

تشکیل کمیته ویژه پیگیری سرنوشت امام موسی صدر در مجلس شورای اسلامی.

۲۶ اسفند ۱۳۸۳

امضای سند پیگیری قضیه امام موسی صدر توسط ۱۵۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی.

اسفند ۱۳۸۳

حسین وارث انبیا، ص: ۲۸

انتشار نامه سرگشاده ۱۹۹ تن از مراجع، روحانیون، نمایندگان مجلس، فعالان سیاسی، هنرمندان و نویسندگان کشور برای پیگیری

قضیه امام صدر.

۲۶ آبان ۱۳۸۴

افشای رشوه ۱۲ میلیون یورویی لیبی به ایتالیا برای تغییر حقایق پرونده امام صدر.

۶ اردیبهشت ۱۳۸۵

ابراز نگرانی کمیسیون حقوق بشر پارلمان لبنان از تأخیر در صدور حکم پرونده ربودن امام صدر.

۷ تیر ۱۳۸۵

توافق لبنان و ایتالیا برای همکاری درباره مسئله ربودن امام صدر.

۱۵ شهریور ۱۳۸۵

بیانیه ۱۸۲ نماینده مجلس شورای اسلامی برای پیگیری سرنوشت امام موسی صدر.

۳۰ آبان ۱۳۸۵

طرح مسئله ربودن امام صدر در اتحادیه بین‌المجالس.

۹ آذر ۱۳۸۵

تشکیل کمیته پارلمانی لبنان برای پیگیری مسئله ربودن امام صدر.



۱۱ خرداد ۱۳۸۶

احضار مجدد مقامات لیبیایی به دادگاه لبنان و تقاضای قاضی لبنانی از پلیس بین‌الملل برای دستگیری مقامات لیبیایی.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبنا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-IR۹۰

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگووار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

